

گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرائت در حوزه دانش احتجاج*

محمد علی رضایی اصفهانی** و محمد امینی تهرانی***

چکیده

از عرصه‌های کلیدی در موضوع قرائت قرآن کریم، عرصه احتجاج بر قرائت است. تبحر در این مسئله نیازمند اطلاعات و تخصص فراگیر در دانش‌هایی همچون تفسیر، حدیث، ادبیات و رسم المصحف است. عمده تألیفات در این زمینه به قرن سوم تا ششم هجری باز می‌گردد و تألیفات قرون اخیر به بررسی دیدگاه‌های دانشمندان قبلی اختصاص دارد. منابع احتجاج بر اساس نوع قرائت بحث شده در آنها، زمان تألیف آنها، کتب تأثیر گذار و مهم و نوع احتجاج در این منابع قابل تقسیم‌بندی است.

تألیف احتجاج در قرائت بر اساس تفاسیر شیعه و بررسی جایگاه دانشمندان شیعه در این زمینه، از عرصه‌های مفقوده در زمینه دانش احتجاج به شمار می‌آید. تأثیر دانش‌های مختلف در احتجاج قرائت، بررسی شیوه احتجاج در میان دانشمندان اسلامی، مبانی احتجاج در قرائت، تأثیر پذیری مولفان احتجاج از دیگر دانشمندان و کتب احتجاج، نقاط مشترک در احتجاج قرائت متواتر و شاذ و نقش دانش احتجاج در حجیت بخشی به قرائت قرآن کریم از موضوعات شایسته تحقیق در این عرصه به شمار می‌رود.

در این نوشتار تلاش شده تا با بررسی کتب مؤثر در زمینه احتجاج بر قرائت قرآن کریم، زوایای مختلف این آثار و گونه‌های آنها تحلیل شود. این بررسی، ابعاد بسیاری در ارتباط با زمینه‌های قابل تحقیق، در عرصه احتجاج را روشن می‌نماید.

واژگان کلیدی: قرآن، قرائت، احتجاج، منبع شناسی، گونه شناسی، توجیه القرائت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷.

** استاد جامعه المصطفی العالمیه: Rezaee@Quransc.com

*** دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): Amini63chmail.ir

مقدمه

دانش قرائت از علومی است که برای فراگیری آن، باید علوم مختلف دیگری به عنوان مقدمه فرا گرفته شود. از سوی دیگر، خود این علم مقدمه‌ای برای علوم دیگر نیز به شمار می‌رود. علومی همچون رسم الخط و تجوید، علومی آلی و مقدماتی برای دانش قرائت است. یادگیری این علوم سبب می‌شود تا فهم قرائت قاریان و نحوه قرائت بر اساس اصول هر قرائت آسان‌تر گردد.

از جمله مباحث مهم در حوزه دانش قرائت، احتجاج و تعلیل قرائت است که علاوه بر آشنایی با قرائت به تحلیل ادبی و تفسیری آنها نیز پرداخته می‌شود. محقق پس از یادگیری قرائت، جهت تکمیل دانش خود و درک بهتر از هر کدام از قرائت می‌تواند به تفسیر قرآن کریم روی آورد تا با شناخت عمیق از قرآن کریم به نحو بهتری به دیدگاه قاریان و امتیازات آنان پی ببرد؛ هر چند دانستن تفسیر قرآن، اگر صرف احتجاج برای قرائت باشد، می‌تواند در ضمن دانش قرائت و شاید در مقدمه این علم، فهم بهتر قرائت را در پی داشته باشد. بر همین اساس، دامنه منابع قرائت توسعه می‌یابد و برای گونه‌شناسی و تقسیم‌بندی منابع، حوصله و دقت بیشتری نیاز است.

بحث از احتجاج قرائت، به نوعی می‌تواند در زمره مباحث میان رشته‌ای به شمار آید. از سویی، تسلط بر اصول و روش قرائت نیاز به فراگیری دانش قرائت دارد و از سویی دیگر، تحلیل و احتجاج قرائت مستلزم فراگیری علومی مانند ادبیات، حدیث و تفسیر و تاریخ است تا محقق را در این امر یاری رساند.

در این پژوهش، نگارنده بر آن است تا با تحلیل منابع احتجاج، افق جدیدی را بر روی محققان این حوزه باز نماید و خلأهایی این حوزه را نمایان سازد.

پیشینه

تتبع در منابع احتجاج قرائت و سیر تدوین آنها به ندرت مورد توجه مؤلفان قرار گرفته است. هر چند در برخی از منابع به بررسی آنها به شکل مختصر اقدام شده است. از جمله می‌توان به کتاب «الجوانب الصوتية في كتب الاحتجاج للقرائات» اثر عبد البديع نیربانی اشاره کرد که در سال ۱۴۲۷ق. به چاپ رسیده است. در این کتاب در مباحث اولیه به منابع احتجاج بر اساس سیر زمانی اشاره شده و روش‌شناسی این کتب مورد دقت قرار گرفته است. (نیربانی، الجوانب الصوتية في كتب الاحتجاج للقرائات، ۱۴۲۷: ۱۲).

دکتر عبد العلی مسؤل نیز در مقدمه کتابی با عنوان «القرائات الشاذة ضوابطها و الاحتجاج بها» به تاریخ تدوین کتب احتجاج و برخی از منابع آن پرداخته است (مسؤل، القرائات الشاذة ضوابطها و الاحتجاج بها، ۱۴۲۹: ۱۱).

مفهوم‌شناسی

احتجاج: اجتناب مصدر باب افتعال و از ریشه حجت است که به معنای برهان و آن چیزی است که انسان به وسیله آن در مقابل خصم از خود دفاع می‌کند. جرجانی در التعریفات: «الحجة: ما دلّ به علی صحة الدعوی» یعنی حجت آوردن و ردّ کردن ایراد در بحث برای اثبات عقیده خود. در دانش منطق نیز همین معنا آمده و ابطال عقیده طرف مخالف نیز به آن افزوده شده است (خوانساری، فرهنگ اصطلاحات منطقی، ۱۳۷۶: ۷).

آنچه با توجه به کتب احتجاج می‌توان برای معنای اصطلاحی آن انتخاب کرد، این است که احتجاج بیان علت و دلیل هر قرائتی است که یک قاری انتخاب کرده است. بسیاری از این علل، نحوی و لغوی است (نیربانی، الجوانب الصوتية فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۱۴).

«وجوه القراءات» (طالقانی، علوم قرآن و فهرست منابع، ۱۳۶۱: ۲۳۸) و «علل القراءات» (محیسن، الاهدای شرح طيبة النشر فی القراءات العشر، ۱۴۱۷: ۹) و «معانی القراءات» و «إعراب القراءات» و «توجیه القراءات» از دیگر اصطلاحات مترادف با احتجاج است که به کار برده شده است (طالقانی، علوم قرآن و فهرست منابع، ۱۳۶۱: ۲۶۳).

در تکمیل رابطه اصطلاحات فوق، ذکر این نکته خالی از فائده نیست که هر کدام از این اصطلاحات به گوشه‌ای از مراحل احتجاج اشاره دارد. در احتجاج قرائات، استدلال‌هایی برای هر قرائت آورده می‌شود؛ از این‌رو، می‌توان اصطلاح «علل القرائات» و «احتجاج» را به کار برد. یکی از زمینه‌های احتجاج، بررسی ترکیب جملات و آیات قرآن کریم است که بر همین اساس از اصطلاح «اعراب القرآن» استفاده می‌شود. اصطلاح «توجیه القرائات» نیز ناظر به هدف از احتجاج قرائات است «وجوه القرائات» نیز ناظر به اختلاف قرائات یا علل به کار رفته در احتجاج آنهاست. یکی از مراحل احتجاج پس از اعراب و بررسی آیات، دستیابی به معنا و مفهوم آیات است؛ از این‌رو، اصطلاح «معانی القرائات» نیز به رفته است.

انگیزه تألیف کتب احتجاج

تألیف کتب در زمینه احتجاج انگیزه‌های متعددی داشته است؛ به عبارت دیگر، مؤلفان این دست از کتب، دارای انگیزه واحدی نبوده‌اند و هر کدام بنا بر دلائلی بدین کار اقدام نموده‌اند. برخی معتقدند یکی از دغدغه‌های اصلی مؤلفان کتب احتجاج، بررسی ارکان سه گانه هر قرائت و تحلیل آنهاست. صحت سند، موافقت با قواعد عربی و موافقت با مصاحف عثمانی به عنوان سه رکن قرائت معرفی شده‌اند.

از دیدگاه برخی، دفاع از قرائات خصوصاً قرائات متواتر از دیگر انگیزه‌های تألیف کتب احتجاج است (نیربانی، الجوانب الصوتية فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷ق: ۱۶). با مطالعه کتب احتجاج به نظر می‌رسد که اقوال فوق از صحت کاملی برخوردار نباشند و دلائل فوق، تنها علت تألیف نیستند؛ زیرا عمده مطلبی که در کتب احتجاج به چشم می‌خورد، تحلیل محتوایی قرائات و برتری آنها بر یکدیگر است. این نکته با مطالعه مقدمات کتب احتجاج روشن می‌شود که در ادامه معرفی می‌شوند.

شرح کتب قرائات به خاطر پیچیدگی و ایجازی که در آنها وجود دارد، از دیگر عوامل تألیف کتب احتجاج به شمار می‌رود. این حرف با نگاهی به کتب احتجاج تقویت می‌شود؛ چرا که بسیاری از کتب احتجاج با تکیه بر کتب قرائات نوشته شده و یک کتاب قرائت را محور تألیف خود قرار داده‌اند؛ برای نمونه، «معانی القراءات» تألیف آزه‌ری، «إعراب السبع و الحجة» تألیف ابن خالویه، «الحجة» تألیف أبو علی از کتاب‌هایی هستند که بر اساس کتاب «السبعة فی القراءات» اثر ابن مجاهد به رشته تحریر در آمده‌اند (القیسی، الابانه عن معانی القرائات، بی تا: ۱۸؛ ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، ۱۴۲۱: ۵).

«الکشف» تألیف مکی بر اساس کتاب «التبصره و شرح الهدایة» تألیف مهدوی و طبق کتاب «الهدایة»، تدوین شده‌اند (القیسی، الکشف عن وجوه القراءات، ۱۴۱۸: ۱/ ۳۰).

هر چند با نگاهی ظاهری، علوم ادبی و اعراب القرآن در حیطه‌ای جدا از علم قرائات ملاحظه می‌شوند، با نگاهی دقیق‌تر، روش می‌شود که فهم ادبیات عرب و کتب اعراب القرآن به فهم دقیق‌تر قرائات سبعة منجر می‌شود و امتیازات هر کدام از قرائات بر یکدیگر مشخص می‌شود.

از جمله عوامل پیدایش علم صرف و نحو، بحث‌های احتجاج بر قرائات است. از زمان پیامبر اسلام ﷺ عده‌ای از صحابه قرائت قرآن را از آن حضرت فرا گرفتند. آنان اطلاعات خود را به صورت شفاهی در اختیار شاگردان خود قرار دادند و شاگردان نیز به نسل بعدی منتقل کردند. هر کدام در قرائت خود از قرآن دارای اختلافاتی بودند. برای پاسخ به این گونه سؤال‌ها بحث احتجاج بر قرائات توسط نحویان مطرح گردید. نحو القرائات یا النحو القرآنی به دست همین گروه پدید آمد. جالب آنکه بزرگانی از میان نحویان نظیر ابوالاسود، ابن ابی اسحاق حضرمی و عیسی بن عمر ثقفی از قراء به شمار می‌روند (میر جلیلی، تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی، ۱۳۸۹: ۷۷). در ادامه نیز روشن می‌شود که عمده مؤلفان کتب احتجاج از دانشمندان بزرگ نحو در زمان خود بوده‌اند.

اولین مؤلفان احتجاج در قرائات

احتجاج در قرائات در مراحل اولیه خود به صورت فردی و از سوی برخی از صحابه آغاز شد و در ادامه به بررسی اسانید و وجوه قرائات مورد بررسی منجر گردید. در مرحله سوم با تألیف کتب در این باره مسیر خود را پیمود و تا جایی پیش رفت که برخی از محققان بیش از هفتاد کتاب در زمینه احتجاج در قرائات ذکر کرده‌اند (نیریانی، الجوانب الصوتية فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۲۰).

نخستین کتابی که از نظر تاریخی درباره احتجاج در قرائات ثبت شده کتاب «وجوه القرائات» از هارون بن موسی الاعور (م ۱۷۰ ق) است. أبو حاتم سجستانی معتقد است که وی، نخستین کسی است که در وجوه قرائات را کار کرد و به قرائات شاذ نیز توجه نمود (زقزوق، الموسوعة القرآن المختصة، ۱۴۲۳: ۳۵۰).

سیبویه نحوی نیز در کتاب «الکتاب» به برخی از احتجاجات در قرائات اشاره نموده است. برخی وی را جزء یکی از نخستین محققان در زمینه احتجاج ذکر کرده‌اند (شلیبی، من أعیان الشیعة أبو علی الفارسی، ۱۴۲۸، ۱۵۵).

منابع احتجاج بر اساس سیر تاریخی

فائده این نوع از گونه‌شناسی، شناخت زمانه مؤلف کتاب و روشن شدن ارزش کار وی و جایگاه او در این زمینه است. از سوی دیگر، تأثیر و تأثرات نویسندگان احتجاج بر همین اساس استوار می‌گردد.

۱. قرن اول و دوم

در قرن اول اثری خاص درباره احتجاج نوشته نشده است. شاید علت این امر متفرع بودن بحث احتجاج بر موضوع قرائات باشد. در مرحله اول، بسیاری از نویسندگان به تألیف کتبی در تعدد قرائات روی آوردند، سپس برای توجیه و اختیار آنها، بحث احتجاج را دنبال کردند، بنابراین، شروع تألیفات در زمینه احتجاج به قرن دوم بر می‌گردد. برخی از این تألیفات در قسمت قبلی با عنوان نخستین تألیفات احتجاج مورد اشاره قرار گرفت.

۲. قرن سوم

اگرچه در قرن سوم تألیفات زیادی ارائه نشده، اما منابع این قرن از منابع نسبتاً معتبر به شمار می‌رود. أبو عبید قاسم بن سلّام (م ۲۲۴ ق.) نخستین کسی است که در کتاب «القرائات» علاوه بر جمع آوری بیست و پنج قرائت، به علل برخی از آنها نیز پرداخته است. عبد الله بن مسلم، معروف به ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق.) از دانشمندان بزرگ قرن سوم است که در کتاب «تأویل مشکل القرآن» قسمتی را با عنوان «باب رد بر معترضان در مورد انواع قرائت‌ها» باز نموده و در آن ضمن اشاره به انواع قرائت‌ها به وجوه برخی از آنها پرداخته است. وی در پایان این باب، پس از بررسی برخی از وجوه و بیان احتجاج آنها از کتابی با عنوان «وجوه القرائات» نام می‌برد که در آینده تألیف خواهد نمود (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

أبو العباس محمد بن یزید مبرّد (م ۲۸۵ ق.) از دیگر مؤلفان در این قرن است که در زمینه‌های مختلف مانند لغت، ادبیات، نحو، صرف، عروض، اخبار و غیر آن کتاب‌های مختلفی را تألیف نموده است. یکی از کتاب‌های وی کتابی است که در زمینه احتجاج قرائت تألیف نموده است. از این کتاب با عنوان «احتجاج القرائات» یا «احتجاج القراء» نام برده شده است (مبرّد، المقتضب، بی تا: ۱/ ۱۴).

در اواخر این قرن، هارون بن موسی اخفش (م ۲۹۲ ق.) از جمله عالمان در قرائات و علوم ادبی، کتابی با عنوان «قراءة ابن عامر بالعلل» را تألیف می‌نماید. برای وی قرائتی نیز نقل شده است. وی در ابتدا یهودی بود که مسلمان شد. او از جمله نخستین کسانی است که در وجوه قرائات متواتر و شاذ تتبع کرد (ابن طولون، شرح ابن طولون علی الفیه ابن مالک، بی تا: ۱/ ۱۵۶).

۳. قرن چهارم

در قرن چهارم نیز کتاب‌های متعددی در باره احتجاج تألیف شده است. کتاب «الفصل بین القراءة» از محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق.) است. وی بنا بر مشهور در اواخر سال ۲۲۴ ق. در امل مازندران (طبرستان) به دنیا آمد و در آخر روز شنبه ۲۶ شوال سال ۳۱۰ ق در بغداد از دنیا رفت و در خانه‌اش مدفون گردید. کتابی در قرائت برای وی ذکر شده است که به حدود ۱۸ جلد می‌رسد. همین امر نشان می‌دهد که وی علاوه بر نقل قرائت به احتجاج آنها نیز توجه داشته است (استادی، آشنایی با تفاسیر، ۱۳۸۳: ۲۵۸).

«احتجاج القراء فی القراءة» از أبو بکر بن سراج (م ۳۱۶ ق.) کتاب تألیفی دیگری در این قرن است. از این کتاب با عنوان «احتجاج القرائات» نیز نام برده شده است (اقبال، فرهنگ نامه علوم قرآن، ۱۳۸۵: ۵۹).

پس از وی ابن درستویه (م ۳۴۷ ق.) کتابی را با عنوان «الاحتجاج للقراء» به نگارش در آورد (نیربانی، الجوانب الصوتیة فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۱۶). وی از نحویان و ادیبان بزرگ زمان خود و از شاگردان مبرد بود (سیوطی، تحفه الادیب فی نجاه معنی اللیب، بی تا: ۱/۳۲۷).

«معانی القرائات» اثر أبو منصور محمد بن أحمد بن زهر ازهری (م ۳۷۰ ق.) از دیگر کتب این قرن است. ازهری از علمای لغت و شافعی مذهب بود. وی به فقه و حدیث نیز آشنایی داشت و آثاری از وی مانند تهذیب اللغة، تفسیر الفاظ مختصر المزنی و التقریب فی التفسیر به جا مانده است. وی در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفت. از کتاب مزبور، با عنوان «علل القرائات» نیز نام برده شده است (ابن عصفور، شرح جمل الزجاجی، بی تا: ۳/۳۵۶).

از کسانی که در قرن چهارم در زمینه احتجاج کتاب‌های فراوانی به نگارش در آورده، أبو بکر محمد بن حسن بن مقسم (م ۳۶۲ ق.) است. کتاب‌های وی عبارت است از: «کتاب احتجاج القراءات»، «کتاب السبعة بعلمها الکبیر»، «کتاب السبعة بعلمها الأوسط»، «کتاب السبعة بعلمها الأصغر» (شلیبی، من أعیان الشیعة أبو علی الفارسی، ۱۴۲۶: ۱۵۹).

به نظر می‌رسد بنا بر رسم برخی از مؤلفان، وی در ابتدا کتابی مفصل در این باره تألیف نموده، سپس در قالب متوسط و کوچک به بازنویسی و اختصار آن روی آورده است. وی در زمینه‌های تفسیر و ادبیات نیز کتاب‌هایی را نگارش نموده است (ابن جنی، الخصائص، بی تا: ۱/۳۹۹).

یکی از آثار ماندگار و توجه مؤلفان قرار داشته است «الحجة فی القرائات السبع» اثر ابن خالویه حسین بن أحمد همدانی (۳۷۰ ق) است. وی برای طلب علم به بغداد سفر کرد و قرآن را بر ابن مجاهد عرضه کرد و نحو و صرف را نزد ابن درید، نبطویه، ابو بکر انباری و ابو عمر زاهد فرا گرفت. دانش حدیث را نیز از محمد بن مخلد عطار آموخت. از جمله کتاب‌های او می‌توان به «شرح مقصورة ابن درید»، «مختصر فی شواذ القرآن» و «إعراب ثلاثین سورة من القرآن» اشاره کرد.

وی از ابتدای قرآن آیاتی را که کلمات آنها توسط قاریان مشهور به صورت‌های مختلف قرائت شده، متذکر شده و دلیل هر کدام از آنها را با استفاده از آیات دیگر یا اشعاری از دیوان‌های مختلف شعر عرب بیان می‌نماید. از آنجا که هدف وی بیان مطالب به صورت اختصار است، از ذکر اقوال متعدد پرهیز نموده و فقط وجوه مربوط به قرائت را بیان نموده است. چنانچه کلمه‌ای در یک آیه قبلاً بحث شده و در آیه دیگر نیز مورد اختلاف است، به قبل ارجاع می‌دهد. با توجه به مختصر بودن مطالب کتاب و بحث از تمام آیات مشتمل اختلاف قرائت، این کتاب می‌تواند منبع خوبی برای تدریس در بحث احتجاج قرائت‌ها باشد (ابن خالویه، الحجة فی القرائات السبع، ۱۴۲۱: ۵).

وی همچنین کتاب دیگری با عنوان «إعراب القراءات السبع و عللها» دارد. این کتاب توسط مکتبه الخانجی در قاهره با تحقیق عبد الرحمان بن سلیمان عثیمین، در دو مجلد، به زیور طبع آراسته شده است. با توجه به اینکه عمده مطالب بر اساس ادبیات عرب است، اکثر مطالب مرتبط با احتجاج در قرائات در این کتاب صبغه ادبی به خود گرفته است (ابن خالویه، اعراب القرائات السبع و عللها، ۱۴۱۳: ۲/۱۶۶).

«الحجة للقراء السبعة» نوشته أبو علی فارسی (۳۷۷ ق.) از آثار مشهور و ماندگار قرن چهارم است. نویسنده کتاب حسن بن أحمد بن عبد الغفار الفارسی فسوی، مکنی به أبو علی است. در زمان خود، در علم عربی یگانه روزگار بود. وی از اساتیدی همچون زجاج و ابن سراج استفاده نمود. وی در این کتاب هفت جلدی از ابتدای سوره حمد تا پایان قرآن، موارد دارای اختلاف قرائت را متذکر شده و ادله هر کدام از قاریان را ذکر نموده است. پس از آن با استفاده از شعر یا آیاتی دیگر، توضیحاتی پیرامون اقوال ارائه کرده است. از مجموعه مطالب کتاب به دست می‌آید که اختلاف قرائت‌ها یا به اختلاف در حرکت یک حرف بازگشت می‌کند مانند کلمه «نحسات» که در سکون حرف «حاء» یا کسره آن اختلاف شده است یا

به اختلاف در حرف (شکل کلمه) بازگشت می‌کند مانند کلمه «جعل» که برخی آن را «جاعل» قرائت نموده‌اند.

از ویژگی‌های این کتاب آن است نویسنده که در هر مسئله پس از ذکر اقوال مختلف، قول صحیح را متذکر می‌شود. برای بیان مطالب و ادله هر کدام از قاریان، از آیات قرآن بهره برده و از اشعار فراوان برای توضیح و بیان مطالب استفاده کرده است. در برخی موارد، مطالب را به صورت اشکال و جواب توضیح داده و پس از ذکر اقوال، واژه مورد بحث را از نظر لغت‌شناسان معنا نموده است.

ابو علی در کتاب «الحجة» را بر اساس متن کتاب قرائت ابن مجاهد تدوین کرده است. سپس اختلاف قراء را نقل نموده و کلام ابن سراج را در ادامه آورده است و در ادامه، نظر خود را در زمینه احتجاج با عبارت «قال ابوعلی» ذکر کرده است. اقوال لغویانی مانند توّزی، جرمی، أبو زید، أبو عبیده، سکری، أبو حاتم و ثعلب نیز در کتاب وی مشاهده می‌شود. این روش تا آیه ابتدایی سوره بقره ادامه دارد اما پس از آن دیگر به اقوال ابن سراج پرداخته نمی‌شود (شلبی، من أعیان الشیعة أبو علی الفارسی، ۱۴۲۸: ۱۷۸).

از میان آرای دانشمندان نحوی به آرای خلیل، سیبویه، أخفش، مازنی، جرمی، کسائی، فراء، ثعلب و مبرد توجه کرده است. وی پس از نقل اقوال لغوی و نحوی، شاهد مثال‌هایی از دیگر آیات قرآن نیز ذکر می‌نماید. توجه به برخی از فروق اللغات نیز از نظر او دور نمانده و در صورت نیاز به شواهد شعری نیز تمسک می‌جوید. گاهی به تفسیر آیه نیز می‌پردازد. نمونه این روش را می‌توان در احتجاج آیات ۳۷-۵۰ سوره بقره به نحو کامل ملاحظه نمود (ابوعلی فارسی، الحجة للقراء السبعة، ۱۴۱۳: ۲/ ۲۴). مسائل بلاغی، تفسیر قرآن به قرآن، استفاده از شواهد حدیثی، ادله منطقی و توجه به رسم المصحف در کتاب الحجة ابوعلی به کثرت مشاهده می‌شود (شلبی، من أعیان الشیعة أبو علی الفارسی، ۱۴۲۸: ۲۱۲).

پس از ابوعلی فارسی، یکی از بزرگ‌ترین شاگردان وی، عثمان ابن جنی موصلی (۳۹۲ ق) کتاب «المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الإیضاح عنها» را به نگارش در آورد. وی از حاذق‌ترین دانشمندان در زمینه ادبیات عرب است. دانش خود را از ابوعلی فارسی فراگرفت و چهل سال از وی استفاده نمود. کتاب‌های «خصائص»، «سراالصناعة»، «شرح تصریف مازنی»، «اللمع فی النحو» و «المحتسب فی اعراب الشواذ» و شرحی بر دیوان متنبی از آثار مهم وی است.

وی در مقدمه کتاب خود درباره انگیزه تألیف آن در بحث احتجاج قرائت شاذ، نشان دادن وجه قوت برخی قرائت شاذ مطرح می‌کند. وی قرائت شاذ را از جمله قرائتی می‌داند که خدای تعالی به قبول کردنش دستور داده و از انسان عمل به موجب آن را درخواست نموده است. از دیگر انگیزه‌های وی می‌توان به عدم وجود تألیفی در این باره اشاره کرد. روش وی در این کتاب، بر اساس «الحججه» ابوعلی فارسی است. وی در ابتدا قرائت و قاری آن را ذکر نموده و در ادامه به لغات قرائت و شاهدهای آنها از لهجات پرداخته است. نکته مهم در مورد کتاب ابن جنی آن است که اگر برای قرائتی، دلیلی قانع کننده نیابد و برای احتجاج به آن نیاز به تکلیف و زحمت باشد، باکی از رد کردن آن قرائت و تضعیف آن ندارد، اما در عین حال، به وجه و دلیل آن نیز اشاره می‌نماید؛ برای نمونه، وی در احتجاج به قرائت ابن محیصن در آیه «ثُمَّ اضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ» (بقره/ ۱۲۶)، قرائت «طره» را با ادغام ضاد در طاء توجیه می‌کند و آن را «مرذوله» یعنی بی ارزش می‌داند و قرائت ابو جعفر در آیه «للملائكة اسجدوا» را که در آن، ملائکه را به رفع خوانده، «ضعیف عندنا» معرفی می‌کند (ابن جنی، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات و الايضاح عنها، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۲).

۴. قرن پنجم

قرن پنجم نیز زمان نگارش آثار مفیدی در زمینه احتجاج است که بعد از قرن چهارم در رتبه دوم قرار می‌گیرد. «حجة القراءات» از أبو زرعة عبدالرحمن بن محمد بن زنجلة معروف به ابن زنجلة (م ۴۰۳ ق.) نخستین اثر چشم‌گیر در این قرن است. او شخصی عالم به قرائت و به سمت قضاوت مشغول بود. قرائت خود را بر ابن فارس عرضه نمود. از وی دو کتاب با نام «حجة القراءات» و «شرف القراء فی الوقف و الابتداء» به جای مانده است.

کتاب ابن زنجلة توسط علی بن عامر بن علی الشهري مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و خلاصه‌ای از دیدگاه‌های وی در پایان نامه‌ای با عنوان «الاحتجاج للقرائات فی کتاب حجة القراءات» آورده شده است. این تحقیق، زیر نظر دکتر عبدالله بن ناصر قرنی در سال ۱۴۲۴ق. در جامعه ام القرى عربستان به پایان رسیده است (ر.ک: شهری، الاحتجاج للقرائات فی کتاب حجة القراءات، ۱۴۲۴).

اثر مهم دیگر این قرن «الکشف عن وجوه القرائات السبع و عللها و حججها» اثر أبو محمد مکی ابن ابي طالب حمّوش بن محمد بن مختار قیسی (م ۴۳۷ ق.) است. وی استاد

قرائت و عالم به دانش تفسیر و ادبیات و دارای حسن فهم و اخلاقی نیکو بود. در زمینه قرائات و ادبیات، کتاب‌های زیادی تألیف نمود. کتاب مذکور در بیروت در سال ۱۴۱۸ق. با تحقیق دکتر محیی‌الدین رمضان به چاپ رسیده است.

قبل از تألیف این کتاب، کتاب دیگری با عنوان «التبصره فی القرائات» از سوی وی به رشته تحریر در آمد. پس از تألیف آن، وی در کتاب «الکشف» به تعلیل و احتجاج قرائات ذکر شده در کتاب «التبصره» پرداخت. وی در «الکشف» خود، بر اساس آرای دانشمندان لغت و نحو به بررسی وجوه قرائات پرداخته است.

تعلیل‌ها و احتجاجات مکی با «تعلیل استعاذه و بسمله» شروع شده و با مباحث مرتبط با قرائت‌های سوره حمد ادامه می‌یابد. عمده مطالب کتاب بر اساس ترتیب سوره‌های قرآن مطرح می‌شود. در بین سوره‌ها نیز به تناسب، مباحثی مرتبط با قرائات داخل سوره مطرح می‌گردد؛ برای نمونه، بعد از سوره حمد در دو باب جداگانه هاء کنایه و مد و علت‌های مد مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع، می‌توان گفت که مباحث احتجاج در این کتاب به دو شیوه ترتیبی - موضوعی مطرح می‌شود. شیوه ترتیبی آن بر اساس ترتیب سوره‌ها در مصحف و شیوه موضوعی قرار دادن باب‌های مختلف در میان سوره‌ها به تناسب مباحث ترتیبی موجود در سوره‌هاست (قیسی، الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ۱۴۱۸: ۲/ ۴۰۰). اگرچه شیوه طرح مباحث این کتاب به طور عمده با طرح اختلاف قرائات و بیان حجت آنها بر اساس لغت و ادبیات است، در خلال مباحث، از تفسیر و مباحث کلامی نیز غفلت نشده است. مکی در بحث آیه ۱۷ انفال در نسبت رمی نیزه و تیر به خداوند را امری نیکو می‌داند و علت آن را قدرت و مشیت الهی معرفی می‌کند (قیسی، الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ۱۴۱۸: ۲/ ۱۰۲).

وی کتاب‌های دیگر با عنوان «مشکل إعراب القرآن» و «الهدایة إلی بلوغ النهایة فی التفسیر» و «الرعاية لتجويد القراءة و تحقیق لفظ التلاوة» نگاشته است. برخی از محققان برای وی حدود صد اثر را نام برده‌اند (قیسی، الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، ۱۴۱۸: ۲۰).

«شرح الهدایة» از أبو العباس أحمد بن عمار مهدوی (م ۴۴۰ ق.) از دیگر کتاب‌هایی است که در این قرن به نگارش در آمد. این کتاب شرح کتابی از خود مصنف با نام «الهدایة

فی القرائات السبع» است که در آن معرفی قرائات سبعة به شرح و تعلیل قرائات آنها پرداخته است. وی از استادان قرائت و تفسیر و متبحر در ادبیات عرب به شمار می‌رود. برای وی کتابی با عنوان «التفصیل الجامع لعلوم التنزیل» نیز نقل شده است (القیسی، الهدایه الی بلوغ النهایه، ۱۴۲۹: ۱۳ / ۸۶۳۱).

اثر دیگر، «الموضح لمذاهب القراء و اختلافهم فی الفتح و الإمالة» نوشته أبو عمرو دانی (م ۴۴۴ ق.) از دانشمندان کثیر التألیف در حوزه علوم و فنون قرائات است. این کتاب به تحلیل شیوه قراء سبعة در موضوع فتح و اماله پرداخته است.

اثر دیگر در زمینه احتجاج که به بررسی دو قرائت از میان قرائات متواتر پرداخت، «الاکتفاء فی قراء نافع و أبی عمرو بن العلاء و الحجة لكل واحد منهما» است. این اثر به خامه أبو عمر یوسف بن عبدالبرّ نمری قرطبی به نگارش در آمد. در این کتاب پس از طرح دو قرائت نافع و ابو عمر، به بررسی احتجاج آنها پرداخته شده است. کتاب معروف «الاستیعاب فی معرفة الاصحاب» نیز از دیگر تألیفات ابو عمر (نیربانی، الجوانب الصوتیة فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۲۲).

راغب اصفهانی (م ۵۰۲ ق.) نیز در این قرن «احتجاج القراء فی القراءة» را نوشت. این کتاب از املائات راغب است که بر شاگردان خود خوانده است (راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۱۳۶۹: ۱ / ۹).

قرن چهارم و پنجم هجری دوران شکوفایی و نهضت علمی بود. راغب متأثر از این فضا، در کارنامه خود تألیفات ارزشمندی را ثبت کرد. حدود ۲۳ اثر با نام او همراه است. برخی از آنها عبارت است از: «مفردات غریب القرآن»، «تفسیر القرآن الکریم» (جامع التفسیر)، «حلّ متشابهات القرآن» (درة التأویل فی متشابهة التنزیل)، «تحقیق البیان فی تأویل القرآن»، «احتجاج القراء»، «المعانی الاکبر»، «الرسالة المنبّهة علی فوائد القرآن»، «رسالة فی الاعتقاد»، «الذریعة الی مکارم الشریعة»، «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، «شرف التصوف» و رساله تحقیق مناسبات الالفاظ، رساله‌ای در مراتب علوم.

۵. قرن ششم

رویگرد نگارش کتب احتجاج در قرن ششم نسبت به قرن‌های قبلی کمی دارای تغییر است؛ چرا که علاوه بر توجه به قرائات سبع، قرائات عشر نیز مورد توجه قرار گرفت؛ برای مثال، کتاب «تعلیل القرائات العشر» از محمد بن سلیمان مالقی (م ۵۲۵ ق.) در این قرن به

نگارش در آمد. از سوی دیگر، أبوحسن شریح بن محمد رعینی (م ۵۳۹ ق.) کتاب «الجمع و التوجیه لما انفرد به الإمام یعقوب بن إسحاق الحضرمی» را پیرامون قرائت یعقوب که یکی از قراء عشره است، تألیف نمود (نیربانی، الجوانب الصوتیة فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۶). کتاب «مفاتیح الأغانی فی القراءات و المعانی» از أبو العلاء کرمانی (بعد ۵۶۳ ق.) کتاب دیگر این قرآن است (نیربانی، الجوانب الصوتیة فی کتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۷). از تصنیفات موفق در این قرن که تحت تأثیر دیدگاه‌های گذشتگان این دانش تألیف شده، کتاب «الموضح فی وجوه القرائات و عللها» اثر نصر بن علی شیرازی، معروف بابن ابی مریم (ت بعد ۵۶۵ ق.) است. درباره این کتاب تحقیقی از سوی عمر حمدان کببسی زیر نظر دکتر عبدالفتاح اسماعیل شلبی در سال ۱۴۰۸ ق. صورت گرفت (ابن ابی مریم و کببسی، الموضح فی وجوه القرائات و عللها، ۱۴۰۸: ۱ / ۱۱).

ابن ابی مریم در این کتاب در عین توضیح مطالب سعی نموده تا از اطناب مطالب جلوگیری شود. وی از نحویان و مفسران زمان خود بود. وی در تألیف این کتاب تأثیرپذیری شدیدی از «الحجة» ابو علی فارسی و دیدگاه‌های وی داشته است. در این کتاب هشت قرائت متواتر از دیدگاه مصنف، تعلیل شده است. از کتاب‌هایی مانند «الکتاب» سیبویه، «مجاز القرآن» ابو عبیده، «معانی القرآن» اخفش و «معانی القرآن» فراء و «التکمله» ابو علی در این اثر استفاده شده است.

مباحث مقدماتی این کتاب شامل ده فصل است. موضوعات این فصول عمدتاً درباره قاریان هشت‌گانه کتاب، ذکر راویان آنان، تجوید قرآن، مخارج حروف معجم، تقسیم‌بندی حروف، احکام همزه، احکام ادغام، اماله و وقف است.

ابن ابی مریم علاوه بر کتاب مذکور، کتابی با عنوان «المنتقى من الشواذ» تألیف نموده که «المنتقى فی علل القرائات» نامیده می‌شود. در این کتاب وجوه قرائات شاذ و علل آنها بررسی شده است. وی پس از تألیف این کتاب، درخواست مردم مبنی بر تألیف کتابی در مورد قرائات متواتر را علت تألیف کتاب «الموضح» ذکر می‌کند (ابن ابی مریم/کببسی، الموضح فی وجوه القرائات و عللها، ۱۴۰۸: ۱ / ۳۷) مذهب نحوی وی، مبتنی بر برگزیده نظرات نحویان بصره است.

۶. قرن هفتم

قرن هفتم را می‌توان قرن پایانی تألیف کتب قوی در احتجاج نام نهاد؛ چرا که پس از این قرن، تألیفات احتجاج رو به کاستی گرایید و تألیف ماندگاری به ندرت شکل گرفت و عمده تألیفات نیز ناظر به آثار دانشمندان قبلی است.

در این قرن، عبدالله بن حسین أبو البقاء عکبری (۶۱۶ ق.) کتاب «إعراب القراءات الشواذ» تدوین کرد. او از بزرگان دانش نحو و حنبلی مذهب است. در کودکی نابینا شد، اما حافظه‌ای قوی و تبحری خاص در علمی مانند لغت، فقه و ریاضیات داشت. هنگامی که می‌خواست کتابی را تألیف کند، برای وی مصنفات آن علم را حاضر می‌کردند و می‌خواندند. وی پس از فهم مطالب آن کتاب، فهم خودش را برای دیگران املا می‌نمود (ر.ک: عکبری، اعراب القراءات الشواذ، ۱۴۱۷). از دیگر کتاب‌های وی می‌توان به «املا ما من به الرحمن»، «تفسیر»، «شرح الفصیح»، «شرح الحماسه»، «شرح مقامات حریره» و «الاستیعاب فی علم الحساب» اشاره داشت.

۷. قرون متأخر

در ابتدای قرن دهم، سراج الدین عمر بن زین الدین قاسم بن شمس الدین محمد بن علی انصاری مصری مشهور به نشار و (م ۹۰۰ ق.) کتاب «الوجوه الثبیرة فی قراءة العشرة» را نوشت. وی در ابتدا کتابی را با عنوان «البدور الزاهرة فی القراءات العشر المتواترة» تألیف نمود. سپس با درخواست دوستان و شاگردانش کتاب مورد نظر را تألیف نمود که علاوه بر ذکر قراءات، احتجاج آنها را نیز در بر دارد. متأسفانه نسخه کامل این کتاب هم اکنون در اختیار نیست (خیمی، فهرست المخطوطات دار الکتب الظاهریه، ۱۴۰۳: ۱/ ۴۸۴).

کتاب «المغنی فی توجیه القراءات العشر المتواتره» اثر دکتر محمد سالم محیسن از کتب متأخر در این زمینه است. نویسنده که از اساتید علوم ادبی و علوم قرآنی جامعه اسلامی مدینه منوره است، در این کتاب بر اساس ده قرائت ابن جزری در «النشر» به بیان قراءات و تعلیل آنها پرداخته است. وی این کار را بر اساس ترتیب سوره‌های قرآن کریم انجام داده است. وی در آغاز کتاب بیش از ۵۸ مورد از منابع مهم در زمینه قراءات و احتجاج را که از آنها در تألیف کتاب بهره‌مند شده، معرفی می‌کند. تاریخ قراءات عشر و قاریان آنها، مباحث اصول قراءات و قواعد تجویدی مباحثی است که به عنوان مقدمه قبل از ورود به سوره حمد مورد توجه قرار داده است (محیسن، المغنی فی توجیه القراءات العشر المتواتره، ۱۴۰۸: ۱/ ۱۵).

تقسیم‌بندی منابع بر اساس اختصاص و عدم اختصاص به احتجاج

کتاب‌های که می‌توانند برای دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به احتجاج در قرائات مورد استفاده قرار گیرد، همگی در یک سطح نیستند. برخی از آنها در ظاهر مختص به این مبحث نیست، اما مطالب مفیدی در این باره برای محققان دارند و غفلت از آنها شایسته نیست. بر همین اساس، می‌توان منابع احتجاج را به دو گروه اختصاصی احتجاج و غیراختصاصی احتجاج تقسیم نمود.

۱. کتب اختصاصی احتجاج

کتب اختصاصی، کتبی هستند که در آنها فقط درباره احتجاج قرائات بحث می‌شود و مباحث دیگر به ندرت در آنها مطرح می‌گردد. این نوع از کتب را می‌توان در تقسیم بندی‌های مختلفی بررسی نمود. در ادامه به برخی از این تقسیم‌ها اشاره می‌شود. این کتب را می‌توان بر اساس نوع قرائات مورد توجه در آنها به اقسام زیر تقسیم نمود.

یک - جامع قرائات متواتر و شاذ

برخی از کتب احتجاج، هم به قرائات شاذ و هم به قرائات متواتر توجه نموده‌اند. گرچه محور اصلی بحث در این کتب قرائات متواتر است، قرائات شاذه نیز در آنها است. شاید بتوان کتاب «التبیان فی اعراب القرآن» عکبری را در این گروه جای داد (عکبری، التبیان فی اعراب القرآن، ۱۴۱۹: ۸).

دو - دربردارنده قرائات متواتر

اکثر کتب احتجاج مربوط به این قسم می‌باشد. چرا قرائات متواتر در میان مردم بیشتر رواج داشته و نیاز مردم به دانستن مسائل مربوط به آنها بیشتر بوده است. کتب در بر دارنده قرائات متواتر را می‌توان به مطلق و مقید تقسیم نمود. همچنین کتب مقید را نیز می‌توان بر اساس تعداد قرائاتی که در آنها مطرح شده، به کتب احتجاج برای یک قرائت، دو قرائت، هفت قرائت، هشت قرائت و ده قرائت تقسیم نمود.

کتاب «السبعة بعلمها الكبير» از أبو بکر محمد بن حسن بن مقسم (م ۳۶۲ ق.) در زمره این کتاب‌هاست (شلیبی، من أعيان الشيعة أبو علی الفارسی، ۱۴۲۶: ۱۵۹). کتاب هارون بن موسی اخفش (م ۲۹۲ ق.) با عنوان «قراءة ابن عامر بالعلل» کتابی است که مختص احتجاجات قرائت ابن عامر است (ابن طولون، شرح ابن طولون علی الفیه ابن مالک، بی‌تا: ۱/ ۱۵۶).

کتاب «الاكتفاء في قراءة نافع و أبي عمرو بن العلاء، و الحجة لكل واحد منهما» از أبو عمر يوسف بن عبد البر نمری قرطبی از کتاب‌هایی است که به دو قرائت متواتر و احتجاج آنها توجه نموده است (نیربانی، الجوانب الصوتية في كتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۲۲). کتاب «الموضح في وجوه القرائات و عللها» اثر نصر بن علی شیرازی معروف به ابن ابي مریم (بعد ۵۶۵ ق.) نیز به هشت قرائت توجه کرده است (کبیری، الموضح في وجوه القرائات و عللها، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۱).

سه - در بردارنده قرائات شاذ

کتاب «المحتسب في تبیین وجوه شواذ القراءات و الإيضاح عنها» اثر عثمان ابن جنی موصلی (م ۳۹۲ ق.) از جمله این کتاب‌هاست (ابن جنی، المحتسب في تبیین وجوه شواذ القرائات و الايضاح عنها، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۱).

از کتاب‌های تألیف شده معاصر در این باره می‌توان به کتاب «القرائات الشاذة دراسة صوتية و دلالية» تألیف حمدی سلطان حسن احمد العدوی از اساتید ادبیات و قرائات الازهر مصر اشاره کرد. نویسنده در این کتاب به بررسی مشابهت‌ها و تفاوت‌های قرائات شاذ و جایگاه لهجه‌های عرب در آن می‌پردازد. وی در این کتاب تحت تأثیر دیدگاه‌های ابن عطیه در المحرر الوجیز است (حمدی، القرائات الشاذة دراسة صوتية و دلالية، ۱۴۲۷: ۱۱).

«القرائات الشاذة و توجيهها من لغة العرب» اثر عبد الفتاح قاضی است که در آن به بررسی اصول و ضوابط قرائات شاذ و شیوه احتجاج آنها در زبان عربی پرداخته است (قاضی، القرائات الشاذة و توجيهها من لغة العرب، ۱۴۰۱: ۷).

در همین زمینه، دکتر عبدالعلی مسؤل کتابی با عنوان «القرائات الشاذة ضوابطها و الاحتجاج بها» تألیف نموده است (مسؤل، القرائات الشاذة ضوابطها و الاحتجاج بها، ۱۴۲۹: ۱۱). وی در این کتاب ضوابط قرائات شاذ را بررسی و جایگاه آنها را در دانش‌های اسلامی مانند فقه و ادبیات تبیین کرده است.

۲. کتب غیر اختصاصی احتجاج

این کتب کتبی هستند که موضوع اصلی آنها چیزی غیر از احتجاج است، اما به تناسب درباره احتجاج قرائات هم در آنها بحث شده است. کتب تفسیری، علوم قرآنی و قرائات از این نمونه است.

یک - منابع تفسیری

مفسرانی بوده و هستند که در تفسیر، توجه خاصی به اختلاف قرائات و تاثیر آن در تفسیر دارند و حتی در تفسیر خود به مباحث احتجاج قرائات و اعراب آنها می‌پردازند. تفسیر ابوجعفر طبری را می‌توان از نخستین این تفاسیر به شمار آورد. وی در علم قرائات نیز صاحب نظر بوده است و از وی کتابی در قرائات در هجده جلد گزارش شده است (شلیبی، من أعیان الشیعة أبو علی الفارسی، ۱۴۲۸: ۱۶۷).

وی بر اساس سخنان اساتید خود و نقل اسلاف و تابعین و بر اساس اخذ به ظاهر معنا و حقیقت لفظ بدون تمسک به مجاز در کلمات و بر اساس اجماعی که در میان شهرها در حجیت آنها وجود داشته است، قرائتی را بر قرائتی دیگر ترجیح می‌داد (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۰). از ملاک‌های دیگر وی در ترجیح قرائات، رسم المصحف‌های مشهور عثمانی و شواهد شعری رایج در میان اعراب بود.

وی در آیه «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا» (مؤمنون / ۶۰) قرائت آن را بر اساس نگارش مصاحف تأیید می‌کند (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۲۳).

نخستین تفسیر جامع شیعی «التبیین فی تفسیر القرآن» از شیخ طوسی (م ۴۶۰ق.) نیز در موارد اختلاف قرائت به احتجاج آنها توجهی جدی دارد. در بحث قرائات، از آنجا که وی روایات امامیه را مبنی بر جواز قرائت قرآن به اشکال مختلف پذیرفته (طوسی، التبیین فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱/ ۹)، به قرائت قراء مشهور اشاره نموده و گاه در تأیید رأیی خاص از آنها استشهاد کرده است. (طوسی، التبیین فی تفسیر القرآن، بی تا: ۲/ ۲۲۱) یا برخی قرائت‌ها را بر برخی دیگر ترجیح داده است؛ مانند آیه «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (توبه / ۴۰) که بر این اعتقاد است که رفع «کلمه» بر نصب آن ترجیح دارد و علت آن برتری داشتن کلمه «ایه» در همه زمان‌هاست (طوسی، التبیین فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵ / ۲۲۱)، اما هیچ‌گاه قول قراء را یکسره نپذیرفته و حتی گاهی آنان را در نحوه قرائتشان تخطئه کرده است (همان، ۱ / ۴۳۷).

پس از وی، محمد بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق.) در تفسیر «مجمع البیان» بابی جداگانه با عنوان «الحجه» باز نموده و در آن به بررسی احتجاج قرائات پرداخته است. وی ذیل عنوان «القراءة» نیز به بررسی اختلاف قرائات و کیفیت آنها همت گماشته است. در بخش «المعنا» نیز در برخی موارد به اختلاف قرائات اشاره کرده و بر اساس هر کدام از قرائات تفسیر آیه را بیان نموده است.

وی در بحث «الحجه» از دلائل لغوی، ادبی و تفسیری استفاده‌های زیادی برده، به نحوی که مطالعه این قسمت از تفسیر، برای تعلیم بسیاری از نکات ناب علمی خالی از فائده نیست (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۱/ ۹۸). گاهی به شعر نیز در این باره استشهاد کرده است (همان، ۱۳۷۲: ۲/ ۴۹۵).

از دیگر مفسرانی که ضمن تفسیر خود به احتجاج اشاره داشته‌اند، جارالله محمود زمخشری (۵۳۸ق.) است که در «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل» به این امر روی آورده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۶ و ۱۷ و ۱۵۵). وی پس از بیان قرائات مرتبط با آیه به تفسیر یا توجیه برخی از آنها اقدام کرده است (زمخشری، کشاف، ۱۴۰۷: ۲/ ۹۸).

قاضی ابوالخیر عبدالله بن عمر بن محمد علی بیضاوی (۶۸۵ق.) نیز در تفسیرش با عنوان «انوار التنزیل و اسرار التأویل» به تبیین از کشف به این امر توجه نمود. بیضاوی که از بزرگان مذهب اشعری است، تفسیر خود را بر اساس تفسیر کشف به نگارش در آورده است. وی به دفعات به بحث قرائات مختلف توجه نموده و از آنها با لفظ «قرء» یاد کرده است و برای هر کدام با دلائل نحوی یا لغوی احتجاج نموده است (بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸ق: ۱/ ۳۰).

«البحر المحيط» اثر محمد بن یوسف بن علی بن حبان معروف به أبو حیان آندلسی (م ۷۴۵ ق.) نیز از زمره این نوع از تفاسیر است. وی نحوی، شاعر و ادیب عصر بنی نصر در غرناطه و ممالیک در مصر بود. در آیه چهارم سوره حمد برای کلمه «ملک» ۱۳ قرائت ذکر کرده و ریشه لغوی آنها را بررسی و تحلیل کرده است (ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۱/ ۳۷). وی به قرائات شاذ نیز توجه کرده است (ر.ک: همان، ۷۰/۱). با مروری بر این تفسیر، تسلط وی بر قرائات متواتر و شاذ و احتجاج آنها آشکار می‌شود. بررسی قرائات، تعدد آنها و احتجاج از دیدگاه وی می‌تواند نکات علمی بسیاری در زمینه لغت و ادبیات را آشکار نماید.

دو - کتب ادبی

در برخی از کتب ادبی کهن در کنار طرح مباحث ادبی، قرائات به عنوان مؤید یا تفسیر مباحث استفاده شده است. «الکتاب» سیبویه (م ۱۸۰ ق.) از جمله این کتب است. نویسنده در برخی از مواضع کتابش، قاری و قرائت وی را تضعیف نموده است؛ برای مثال، وی درباره آیه ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾ اعراب رفع را برای «یکون» اختیار نموده است. سپس می‌نویسد: «و قد

يجوز النصب في الواجب في اضطرار الشعر؛ یعنی نصب در ضرورت شعری واجب می‌شود. وی در ادامه، درباره این حالت ضرورت شعری نیز می‌گوید: «و هو ضعيف في الكلام الكتاب» (سیرافی، شرح کتاب سیبویه، بی‌تا: ۳/ ۲۲۷).

از دیگر نگاه‌ها می‌توان به کتاب «الأصول في النحو» از أبو بکر بن سراج (م ۳۱۶ ق.) نام برد. نویسنده که از دانشمندان بزرگ نحو بعد از سیبویه است، تلاش کرده تا به «الکتاب» سیبویه و مباحث پراکنده آن را سامان ببخشد و در ضمن مباحث خود به آیات بسیاری از قرآن و قرائت‌های آن استشهد کرده است. بسیاری از قرائت‌های قرآن کریم در این کتاب به عنوان شاهی بر یک قانون نحوی شمرده شده‌اند (ابن سراج، الأصول فی النحو، بی‌تا، ۱/ ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۵۱، ۴۵۶ و ۲/ ۱۵، ۳۴).

نمونه دیگر «شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب» از ابن هشام انصاری (م ۷۶۱ ق.)، صاحب کتاب معروف «مغنی اللیب» از آثار مهم ادبی است که در آن به قرائات مختلف قراء و احتجاج اشاره‌های فراوانی شده است. این کتاب و اصل آن هر دو از ابن هشام است (ابن هشام، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، ۱۳۸۴: ۵۹).

یحیی بن زیاد قراء (م ۲۰۷ ق.) نیز در «معانی القرآن» با تحلیل‌های ادبی خود به توجیه برخی از قرائات پرداخته است (قراء، معانی القرآن، ۱۹۸۰م: ۱/ ۱۹۰).

از آثار متفاوت و جدید در عرصه اعراب قرآن که می‌تواند زمینه ساز نگاهی جدید به مبحث احتجاج نیز به شمار آید، «اعراب القرآن» ابراهیم بن سری معروف به زجاج (م ۳۱۱ ق.) است. این کتاب از اعراب القرآن‌های موضوعی به شمار می‌رود که هر موضوع مهم نحوی قرآن را به صورت مستقل در یک باب طرح نموده است. وی در موارد بسیاری در مسائل مربوط، قرائت‌های مختلف را نیز طرح کرده و به احتجاجات آنها نیز اشاره نموده است (زجاج، اعراب القرآن، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۸۹).

۱۳۷

از محاسن این نوع از اعراب القرآن‌ها آن است که دسترسی به موضوعات نحوی همراه با شاهد مثال‌های قرآنی آن آسان‌تر است و تأییدات قرآنی در احتجاجات قرائی راحت‌تر به مخاطب عرضه می‌شود.

«التبیین فی إعراب القرآن» اثر دیگر از عکبری (م ۶۱۶ ق.) است که در نحو قرآن و علم اختلاف قرائت از کتاب‌های مشابه، کامل‌تر و وسیع‌تر است. این کتاب به نام‌های دیگر نیز

شناخته شده که از آن جمله «إعراب القرآن»، «إملاء ما من به الرحمن فی وجوه القرائات و إعراب القرآن»، «إعراب القرآن و القرائات» و «البيان فی إعراب القرآن» است و اعراب کل قرآن را در یک جلد پوشش می‌دهد.

مؤلف در این کتاب بر آرای سیبویه تأکید خاصی دارد و در موارد مختلف به ذکر نظریه‌های کسانی چون ابوعلی فارسی، ابن جنی، مبرد و خلیل می‌پردازد. ابوالبقاء هنگام ذکر وجوه مختلف قرائات، علاوه بر قرائت مشهور، به شواذ نیز توجه دارد. روش کلی وی به این ترتیب است که بعد از بیان صرف کلمات به اعراب آنها و فراز آیات با ذکر اقوال کوفیان و بصریان و نیز بیان وجوه مختلف اعراب و سپس به قرائت می‌پردازد. وی علاوه بر قرائت مشهور با تعبیر «جید» به قرائت شاذ نیز می‌پردازد (عکبری، التبیان فی اعراب القرآن، ۱۴۱۹: ۸).

سه - کتب قرائات

کتب قرائات کتبی هستند که مباحث مربوط به قرائات، اقسام، اصول و سندهای آنها و مباحث مرتبط با آنها را به بحث می‌گذارند. در این قبیل کتب، مباحث مربوط به احتجاج نیز به فراخور بحث ارائه می‌شود.

از نمونه‌های کتب قرائات می‌توان به اثر أحمد بن محمد البنا دمیاطی (م ۱۱۱۷ ق.) از علمای قرن دوازدهم اشاره کرد. وی کتابی در اختلاف قرائات با عنوان «إتحاف فضلاء البشر بقرائات القراء الأربعة عشر» تألیف نمود. وی در ابتدا، اسامی قاریان چهارده‌گانه را همراه با طریق نقل آنان ذکر کرده و سپس به بررسی و توضیح موضوعاتی همچون ادغام حکم نون ساکن، مدّ و قصر و وقف بر آخر کلمه پرداخته است. وی بیشتر قسمت کتاب را به بررسی اختلاف قرائات درباره کلمات اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که تمام موارد اختلافی سوره‌ها را بیان و سبب آنها را نیز شرح داده است.

این کتاب گرچه در موضوع اختلاف قرائات و معرفی آنها تألیف شده است، وی در بین مباحث کتاب به بررسی و احتجاج نسبت به برخی از قرائات و تعلیل نیز آنها پرداخته است؛ برای مثال، ذیل آیه ۱۳ مائده درباره کلمه «قاسیه» به بحث پرداخته و اقوالی مبنی بر اسم فاعل بودن یا صیغه مبالغه بودن آن را مطرح نموده است (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر بقرائات القراء الاربعه عشر، ۱۴۲۲: ۲۵۲). همین شیوه را درباره آیه هفت سوره مائده نیز در پیش گرفته است (همان، ۳۱۹).

از دیگر کتب قرائات که در خلال بحث از اختلاف قرائات به علل آن و احتجاج قرائات اشاره دارد، کتاب «الهادی شرح طيبة النشر فی القراءات العشر» است از محمد سالم محیسن است. کتاب پیرامون یکی از موضوعات مهم علوم قرآنی، یعنی مسئله تجوید و قرائات نوشته شده است. مؤلف کتاب که یکی از قرآن‌پژوهان معاصر و از اساتید دانشگاه مدینه منوره می‌باشد، کتاب را درباره «شرح طيبة النشر» ابن جزری نوشته است و در حقیقت این کتاب، شرحی است مبسوط بر منظومه ابن جزری.

وی در کنار بحث از قرائات مختلف به تحلیل ادله قرائات و تبیین کلمات آنها بر اساس لغت و تفسیر می‌پردازد. وی ذیل آیه ۹ سوره بقره درباره کلمه «یخدعون» به بررسی معنای آن و تفاوت آن با صیغه ثلاثی مزید آن پرداخته و درباره «یخادعون» دو احتمال را مطرح می‌کند که یا به معنای مشارکت است یا در این آیه از معنای مشارکت خارج شده است (محیسن، الهادی طيبة النشر فی القراءات العشر، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲). این روش از سوی وی در بسیاری از آیات به کار گرفته شده و گاه نیز نظراتی بلاغی ارائه نموده است (محیسن، همان، ۱۸۲ / ۲).

چهار - کتب علوم قرآنی

در بسیاری از کتب علوم قرآنی در بخشی از مباحث به قرائات، تاریخ قرائات، تعدد قرائات پرداخته شده است. در برخی از آنها ضمن طرح مباحث تعدد قرائات به بیان برخی از مصادیق و احتجاجات تفسیری یا ادبی نیز پرداخته شده است؛ برای نمونه، محمد هادی معرفت هنگام بحث از تعدد قرائات به بیان برخی از موارد اختلاف و حجت آنها می‌پردازد. در بحث حجیت قرائات و بررسی ملاک مطابقت با رسم الخط و ادبیات عربی، برخی از قرائات به نحو مختصری مورد بررسی قرار می‌دهد که می‌تواند جمع‌آوری آنها مطالب مفیدی را در زمینه احتجاج عرضه نماید (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵ق: ۱۱۹ / ۲؛ نیز، ر.ک: عتر، علوم القرآن الکریم، ۱۴۱۶ق: ۱۴۷؛ مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، علوم القرآن عند المفسرین، ۱۳۷۵: ۵۵ / ۲).

تقسیم بندی منابع بر اساس روش احتجاج

ادله‌ای که می‌توان با آن برای قرائات احتجاج نمود، از علوم مختلفی قابل استفاده است. این ادله و قواعد را می‌توان از منابعی مانند قرائات شاذ، رسم المصحف، آیات دیگر قرآن

کریم، اتفاق جماعت قراء، دانش تفسیر، آثار و روایات و اسباب نزول اخذ نمود؛ به عبارت دیگر، نزد مؤلفان کتب احتجاج، مطابقت قرائات با موارد فوق به عنوان دلیلی بر حجیت قرائات به شمار آمده است.

بر همین اساس، کتب احتجاج را می‌توان به جامع و غیر جامع تقسیم نمود. کتبی مانند «الحجة» ابوعلی فارسی و ابن خالویه که از تمام این ادله استفاده نموده‌اند، کتب احتجاج جامع به شمار می‌آیند. برخی از کتب نیز تکیه اصلی خود را بر روی مباحث نحوی گذاشته‌اند که غیر جامع هستند.

شاید نتوان کتابی را سراغ گرفت که فقط به یکی از این روش‌ها تمسک بسته باشد؛ چرا که عمده دلائل کتب احتجاج، نحوی و بر اساس رسم المصحف است.

از نمونه قرائات شاذی که به عنوان دلیل از آنها استفاده شده، قرائت‌های اَبی بن کعب (م ۲۱ ق.) و ابن مسعود (م ۳۲ ق.) است؛ برای نمونه، ابن خالویه جهت تأیید قرائت کلمه «کفار» در آیه ﴿وَسَيَعْلَمُ الْكَفَّارُ لِمَنْ عَقَبَى الدَّارَ﴾ (رعد/ ۴۲) به صورت جمع، از قرائت این دو نفر دلیل آورده است؛ چرا که اَبی «و سيعلم الذين كفروا» و ابن مسعود «و سيعلم الكافرون» قرائت نموده‌اند (نیربانی، الجوانب الصوتية في كتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۱۵).

یعقوب «هو» در آیه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾ (بقره/ ۲۵۵) را به «هوه» با هاء وقف قرائت نموده است. همین قرائت را در آیه ﴿فَنِعْمًا هِيَ﴾ (بقره/ ۲۷۱) نیز دارد. این نوع از قرائت به دلیل اینکه در رسم المصحف چنین «هایی» ثبت نشده است، مورد پذیرش نیست.

برخی از قراء فعل «تأتهم» در آیه ﴿أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ (طه/ ۱۳۳) را به صورت مذکر خوانده‌اند؛ به دلیل اینکه این کلمه مؤنث مجازی به شمار می‌آید، اما به نظر می‌رسد مؤنث آوردن فعل صحیح‌تر باشد؛ چرا که در آیه ﴿جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ﴾ (بینه/ ۴) به صورت مؤنث آمده است. این مثال نمونه‌ای از احتجاج توسط آیات قرآن برای آیه‌ای دیگر به شمار می‌آید (نیربانی، الجوانب الصوتية في كتب الاحتجاج للقراءات، ۱۴۲۷: ۱۴).

نتیجه

۱- عمده تألیفات احتجاج مربوط به قرن‌های سوم تا ششم است. در قرون اخیر به این موضوع توجه کمتری شده است و اکثر تألیفات این قرون به بررسی دیدگاه‌های دانشمندان گذشته در زمینه احتجاج توجه دارند.

- ۲- اکثر دلائل مؤلفان کتب احتجاج، دلائل ادبی است و دیگر دلائل در درجه بعدی قرار دارد.
- ۳- شناخت رسم الخط عثمانی، ادبیات عرب، روایات و تفسیر، نقش عمده‌ای در فهم دانش احتجاج و فراگیری آن دارد.
- ۴- اکثریت قریب به اتفاق مؤلفان در زمینه احتجاج از اهل سنت است و در میان مفسران شیعه، شیخ طوسی در «التبیان» و طبرسی در «مجمع البیان» به این امر اهتمام و توجه ویژه نموده‌اند.
- ۵- بررسی احتجاج قرائات در میان تفاسیر فریقین از زمینه‌های مهم تحقیق و شایسته بررسی است.
- ۶- عمده دلائل احتجاج کنندگان در قرائات بر اساس قرائات شاذ، رسم المصحف، آیات قرآن، جماعت قراء، دانش تفسیر، آثار و روایات و اسباب نزول استوار است.
- ۷- منابع احتجاج بر اساس نوع قرائت بحث شده در آنها، زمان تألیف آنها، کتب تأثیرگذار بر آنها و نوع احتجاج در این منابع قابل تقسیم‌بندی است.
- ۸- کلمات «الحجة»، «علل»، «وجوه»، «توجیه»، «معانی» و «اعراب» از اصطلاحات مترادف با احتجاج است که در قرن‌های مختلف از سوی نویسندگان کتب مربوط به احتجاج به کار رفته است و هر کدام به گوشه‌ای از مراحل احتجاج در قرائات اشاره دارد.
- ۹- تألیف احتجاج در قرائات بر اساس تفاسیر شیعه و بررسی جایگاه دانشمندان شیعه در این میان، از عرصه‌های مفقوده در زمینه دانش احتجاج به شمار می‌آید.
- ۱۰- تأثیر دانش‌های مختلف در احتجاج قرائات، بررسی شیوه احتجاج در میان دانشمندان اسلامی، مبانی احتجاج در قرائات، تأثیرپذیری مؤلفان احتجاج از دیگر دانشمندان و کتب احتجاج، نقاط مشترک در احتجاج قرائات متواتر و شاذ و نیز نقش دانش احتجاج در حجیت بخشی به قرائات قرآن کریم از موضوعات شایسته تحقیق در این عرصه به شمار می‌رود.

منابع

۱. ابن جنی، عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات و الايضاح عنها، القاهرة: بی نا، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن خالویه، حسین بن احمد، اعراب القراءات السبعة و عللها، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۴۱۳ق، الطبعة الاولى
۳. ابن خالویه، حسین بن احمد، الحجة فی القراءات السبع بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن طولون، محمد بن علی، شرح ابن طولون علی ألفیة ابن مالک، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۵. ابن عصفور، علی بن مومن، شرح جمل الزجاجی، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۶. ابن قتیبه، عبد الله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، ترجمه بحری بینا باج، محمد حسن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۷. ابن هشام، عبد الله بن یوسف، شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب، تهران: دار الکوخ، ۱۳۸۴.
۸. ابن جنی، عثمان، الخصائص، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، بی تا.
۹. ابو علی، الحسن بن عبد الغفار فارسی، الحجة للقراء السبعة، دمشق: دارالمأمون للتراث، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰.
۱۱. استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر، تهران: نشر قدس، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۱۲. اقبال، ابراهیم، فرهنگنامه علوم قرآن، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۵ش.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸.
۱۴. حمدی، سلطان حسن احمد، القراءات الشاذة دراسة صوتیه و دلایله، قاهره: دارالصحابه للتراث بطنطا، ۱۴۲۷ق.
۱۵. خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی به انضمام واژه نامه فرانسسه و انگلیسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۱۶. الخیمی، صلاح محمد، فهرس مخطوطات دار الکتب الظاهرية، دمشق: مجمع اللغة العربيه، ۱۴۰۳ق، بی نا.
۱۷. الدمیاطی، احمد بن محمد بن عبد الغنی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق، بی نا.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ش.
۱۹. زجاج، ابراهیم بن سری، اعراب القرآن، قم: دارالتفسیر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۲۰. زقروق، محمود حمدی، الموسوعة القرآنیة المتخصصة، مصر - القاهرة: وزارة الاوقاف، ۱۴۲۳ق.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷.
۲۲. سیرافی، حسن بن عبد الله، شرح کتاب سیبویه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۳. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تحفة الأديب فی نحة مغنی اللیب، اردن: عالم الکتب الحدیث، چاپ دوم، بی تا.
۲۴. شلبی، عبد الفتاح اسماعیل، من أعیان الشیعة أبو علی الفارسی، القاهرة: جامعة القاهرة، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
۲۵. الشهری، علی بن عامر بن علی، الاحتجاج للقراءات فی کتاب حجه القراءات، مکه: جامعه ام القرى، ۱۴۲۴ق.
۲۶. طالقانی، سید عبد الوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۶۱.
۲۷. طبرسی، محمد حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۰. عبد القادر، محمد صالح، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۴ق.
۳۱. عتر، نور الدین، علوم القرآن الکریم، دمشق: مطبعه المصباح، چاپ ششم، ۱۴۱۶ق.

۳۲. عکبری، عبدالله بن الحسين، اعراب القراءات الشواذ، بيروت: عالم الكتب، ۱۴۱۷ق.
۳۳. عکبری، عبدالله بن حسين، التبيان فى اعراب القرآن، رياض: بيت الافكار الدوليه، ۱۴۱۹ق.
۳۴. فراء، يحيى بن زياد، معانى القرآن، القاهرة: الهيئه المصريه العامه للكتاب، چاپ دوم، ۱۹۸۰م.
۳۵. القاضى، عبد الفتاح، القراءات الشاذه و توجيهها من لغه العرب، بيروت: دار الكتب العربى، ۱۴۰۱ق.
۳۶. القيسى، ابن ابى طالب، الهداية إلى بلوغ النهايه، جامعه الشارقه، شارجه: كلية الدراسات العليا و البحث العلمى، ۱۴۲۹ق.
۳۷. القيسى، مكى بن ابى طالب، الابانه عن معانى القراءات، قاهره: دار نهضه مصر للطبع و النشر، بى تا.
۳۸. القيسى، مكى بن ابى طالب، الكشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حججها، بيروت: موسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ق.
۳۹. مبرد، محمد بن يزيد، المقتضب، بيروت: دار الكتب العلميه، بى تا.
۴۰. محيسن، محمد سالم، المغنى فى توجيه القراءات العشر المتواتره، بيروت/قاهره: دارالجيل/مكتبه الكليات الازهرية، چاپ دوم، ۱۴۰۸.
۴۱. محيسن، محمد سالم، الهادى شرح طيبة النشر فى القراءات العشر، بيروت: دارالجيل، ۱۴۱۷ق.
۴۲. مركز الثقافه و المعارف القرآنيه، علوم القرآن عند المفسرين، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ۱۳۷۵ش.
۴۳. مسؤول، عبد العلى، القراءات الشاذه ضوابطها و الاحتجاج بها فى الفقه و العرييه، رياض / قاهره: دار ابن قيم للنشر و التوزيع / دار ابن عفان للنشر و التوزيع، ۱۴۲۹ق.
۴۴. معرفت، محمد هادى، التمهيد فى علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامى، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۴۵. النيربانى، عبد البديع، الجوانب الصوتيه فى كتب الاحتجاج للقراءات، دمشق: دارالغوثانى، ۱۴۲۷ق.